

بررسی دیدگاه معلمان عادی و پذیرا در مورد آموزش فراگیر دانش آموزان دارای نیازهای ویژه

مه‌ری مللی / فاطمه سلیمی / آموزشگاه استثنایی میلاد دهقان اصفهان

چکیده

و تأمین انطباق‌های محیطی و و برنامه‌ی درسی با پشتیبانی معلم رابط به تحصیل می‌پردازند. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ حداقل ۵۰ پژوهش در مورد کارآمدی آموزش در محیط‌های مجزا انجام گرفته و پژوهشگران کارآمدی آموزش مجزای کودکان استثنایی را، به ویژه در مورد پیشرفت تحصیلی آن‌ها زیر سؤال بردند. برخی از آن‌ها در بررسی کارآمدی آموزش در محیط‌های مجزا به این نتیجه رسیدند که تنها توجیهی که می‌توان برای آموزش ویژه دانست، منافی است که برای معلم‌ها و دانش‌آموزان عادی دارد (کافمن^۱ و هالاهان^۲ ترجمه ماهر، ۱۳۷۲).

حمایت از جنبش بهنجارسازی^۳ و روش یکپارچه‌سازی آموزشی^۴ مبتنی بر این باور است که افرادی که دارای معلولیت و یا هر گونه مشکلات یادگیری دیگر هستند باید همانطور که افراد عادی تا حد اکثر ظرفیت بالقوه‌ی خود از فرصت‌ها و امکانات برابر برای خود شکوفایی بهره می‌برند، بهره‌مند شوند. از این رو، اگر می‌خواهیم موانعی نظیر ناآگاهی، ترس، پیشداوری و نگرش منفی نسبت به افراد استثنایی بر طرف شوند، باید فرصت‌هایی فراهم کرد تا افراد عادی و استثنایی هر چه بیشتر در تعامل و تماس اجتماعی باشند. با فراهم کردن این‌گونه فرصت‌ها و رفع موانع است که کلیه‌ی افراد معلول (جسمی و جه معلول حسی و ذهنی) به منزله‌ی اعضای تمام عیار جامعه پذیرفته می‌شده و مورد تبعیض واقع نمی‌شود و می‌توانند از فرصت‌های برابر استفاده کنند (به پژوه، ۱۹۹۱).

تلفیق یا یکپارچه‌سازی از نظر لغوی عبارتست از با هم

هدف اصلی این پژوهش بررسی دیدگاه معلمان عادی و پذیرا نسبت به آموزش فراگیر و عوامل مؤثر در این نوع آموزش می‌باشد. برای این منظور از بین کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان دهقان به کمک نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۵ نفر معلم عادی و ۳۵ نفر معلم پذیرا انتخاب شدند. ابزار پژوهش به صورت پرسشنامه نظر سنجی معلمان تهیه گردید. قابلیت اعتماد پرسشنامه به روش بازآزمایی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داده که دیدگاه معلمان پذیرا از دیدگاه معلمان عادی نسبت به آموزش فراگیر مثبت‌تر است و از نظر معلمان، آموزش روش‌های تدریس ویژه، مهمترین نیاز آموزشی معلمان پذیرا است. همچنین در بین سایر حمایت‌ها از معلمان تلفیقی، محدود کردن تعداد دانش آموزان کلاس، اولویت نخست را بدست آورد.

مقدمه

از سال ۱۹۹۰ میلادی یونسکو با ایده‌ی «آموزش برای همه»، کشورها را نسبت به انجام اصلاحات آموزشی و رشد و توسعه نظام‌های آموزش و پرورش خود فراخواند. یکی از رویکردهای جدید در جهت این اصلاحات و رشد نظام‌های آموزشی، رویکرد آموزش و پرورش فراگیر است. آموزش فراگیر رویکردی است به سوی بهره‌مند ساختن تمامی افراد جامعه از آموزش و پرورش پایه - بر اساس این رویکرد دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در مدارس عادی جای‌دهی شده و با بهره‌گیری از برنامه‌های درسی مشترک

آوردن و به هم پیوستن (فرهنگ معین، ۱۳۷۹). این لغت در فرهنگ انگلیسی کودکان استثنایی معادل واژه Integration است. دانش‌آموزی که برای آموزش تلفیقی در نظر گرفته می‌شود، دانش‌آموزی است که دارای محدودیت‌های جسمانی و ذهنی است. اما درجه‌ی معلولیت او در حد خفیف^۵ است، بنابراین با استفاده از وسایل کمک آموزشی و توان‌بخشی و معلم رابط قادر است در مدارس عادی به تحصیل بپردازد (کرک^۶، ۱۹۹۴).

یکی از عناصر مهم در آموزش تلفیقی و نوع نگرش آموزگاران نسبت به آموزش تلفیقی است. وجود نگرش‌های مثبت برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تلفیق از ضروریات اصلی برای ایجاد تعهد در کار گزاران و دست‌اندر کاران مربوط جهت به فعل رساندن تلفیق کامل و نیز سوق دادن هر چه بیشتر و کامل‌تر دانش‌آموزان استثنایی به سوی مدارس عادی است (هوسپیان، ۱۳۷۸).

پژوهش سنتر وارد^۷ (۱۹۸۷) نشان داد که نگرش بیشتر معلم‌ها به نفع مفهوم یکپارچه‌سازی است و معلم‌هایی که از دوره‌ی آموزش ویژه را گذرانده بودند مثبت‌تر از کسانی می‌اندیشند که از چنین آموزشی بهره‌مند نبودند و بسیاری از آن‌ها معتقدند که برای موفقیت بیشتر این طرح باید تغییراتی در برنامه‌ی درسی عادی داده شود (نقل از کله و چان ترجمه ماهر، ۱۳۷۶).

یافته‌ها پژوهش آنه^۸ (۲۰۰۲) نشان داد که ۷۲٪ از معلمان، آموزش تلفیقی را تحمیلی می‌دانند و معتقدند دانش‌آموزان استثنایی در مدارس همگانی مشکلات بزرگی دارند و بهتر است در مدارس استثنایی به تحصیل بپردازند.

خانجانی و بهاری (۱۳۸۲) در پژوهشی دیدگاه معلمان عادی استثنایی و تلفیقی را در مورد آموزش تلفیقی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که معلمان استثنایی نسبت به معلمان تلفیقی و معلمان تلفیقی نسبت به معلمان عادی دیدگاه مثبت‌تری نسبت به آموزش تلفیقی داشتند.

اهمیت آموزش فراگیر زمانی مشخص می‌شود که نتایج

پژوهش‌های انجام شده بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه که در نظام آموزش تلفیقی قرار گرفته‌اند بررسی شود. به طور مثال، نتایج پژوهش کلونین^۹ و مورس^{۱۰} (۱۹۸۵) بیانگر عملکرد بهتر دانش‌آموزان ناشنوای تلفیقی نسبت به دانش‌آموزانی که در مدارس جداگانه درس می‌خوانند، می‌باشد. نتایج پژوهش کجیاف و رستمی (۱۳۸۷) نیز مؤید این موضوع است که دانش‌آموز نیمه بینا که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند، رشد اجتماعی بهتری نسبت به دانش‌آموزان نیمه بینای مدارس ویژه دارند.

هدف این مقاله پژوهشی بررسی دیدگاه معلم‌های عادی و تلفیقی درباره‌ی آموزش تلفیقی می‌باشد. منظور از معلم پذیرا معلمی است که در مدرسه عادی مشغول به تدریس است و در کلاس خود حداقل یک دانش‌آموز تلفیقی دارد و معلم عادی کسی است که در مدارس عادی برای دانش‌آموزان عادی تدریس می‌کند. یکی دیگر از اهداف پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و مثبت‌تر شدن دیدگاه معلمان نسبت به آموزش فراگیر می‌باشد.

سؤالاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از:

۱. آیا تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه معلمان عادی و پذیرا نسبت به آموزش فراگیر وجود دارد؟
۲. از نظر معلمان عادی چه نوع آموزشی برای عملکرد بهتر معلمان پذیرا در اولویت نخست قرار دارد؟
۳. از نظر معلمان پذیرا چه نوع آموزشی برای عملکرد بهتر معلمان پذیرا در اولویت نخست قرار دارد؟
۴. از نظر کلیه معلمان ابتدایی منطقه دهقان چه نوع حمایتی از معلمان پذیرا در اولویت نخست قرار دارد؟

روش

جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان عادی و پذیرای شهرستان دهقان است، که در سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷

بشود را بررسی می‌کند. پس از تدوین پرسشنامه و انجام اصلاحات ۳ سؤال از فرم الف و ۲ گزینه از فرم ب حذف گردید. به منظور محاسبه قابلیت اعتماد پرسشنامه ی، نظرسنجی معلمان، ابتدا پرسشنامه روی یک گروه آزمودنی اجرا و سپس در فاصله ی زمانی کوتاه دوباره و در همان شرایط روی همان آزمودنی‌ها مجدداً اجرا شد. ضریب همبستگی برای سؤالات فرم الف ۷۶ درصد و فرم ب ۸۰ درصد به دست آمد.

یافته‌ها

داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد) استنباطی (آزمون t) برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

در دوره ابتدایی مشغول به تدریس بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای معلمان عادی و پذیرا انتخاب شدند. تعداد کل آزمودنی‌ها ۷۰ نفر بودند که از این تعداد ۳۵ نفر معلم عادی و ۳۵ نفر معلم پذیرا بودند.

ابزار پژوهش

متناسب با سؤال‌های پژوهش پرسشنامه‌ی نظر سنجی از معلمان با نظر استادان دانشگاهی و همچنین بررسی پژوهش‌های گذشته تهیه شد که شامل ۳۳ سؤال بود. فرم (الف) آن شامل ۲۳ سؤال که دیدگاه معلمان عادی و پذیرا را نسبت به آموزش فراگیر می‌سنجید و فرم (ب) اولویت بندی گزینه‌هاست که شامل ۱۰ سؤال است که نوع آموزش معلمان پذیرا و حمایت‌هایی که باید از این معلمان

جدول ۱- نتایج دیدگاه معلمان نسبت به آموزش تلفیقی

نام متغیر	سطح متغیر	میانگین دیدگاه معلمان	t	انحراف استاندارد	سطح معنادار	t جدول
نوع معلم	پذیرا	۱۹/۸۳	۴/۲۳	۲/۰۱	۰/۰۱	۲/۶۶۰
	عادی	۱۱/۳۳				۲/۰۰۰

در جدول ۱ به سؤال ۱ پژوهش پاسخ داده می‌شود. t محاسبه شده (۴/۲۳) از t جدول در دو سطح معنادار ۰/۰۱ (۲/۶۶۰) و ۰/۰۵ (۲/۰۰۰) بیشتر است در نتیجه بین دیدگاه معلمان عادی و پذیرا نسبت به آموزش فراگیر تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود و با بررسی میانگین دیدگاه معلمان، معلمان پذیرا دیدگاه مثبت‌تری نسبت به معلمان عادی در مورد آموزش فراگیر دادند.

جدول ۲- مشخصه‌های آماری درصد، فراوانی و اولویت هر گزینه از نظر معلمان عادی و پذیرا

نوع معلم	اولویت‌ها	آموزش روش تدریس ویژه	آموزش روش‌های ارزیابی از دانش‌آموزان استثنایی	آموزشی ویژگی‌های روانی و جسمانی دانش‌آموزان استثنایی	آموزش روش اصلاح رفتار
پذیرا	اولویت اول	۵۴/۳٪	۱۱/۴٪	۲۸/۶٪	۵/۷٪
	اولویت دوم	۱۷/۱٪	۱۴/۲٪	۴۰٪	۲۸/۶٪
	اولویت سوم	۲۰٪	۳۴/۳٪	۲۵/۷٪	۲۰٪
	اولویت چهارم	۸/۶٪	۴۰٪	۵/۷٪	۴۵/۷٪
عادی	اولویت اول	۵۱/۴٪	۱۴/۲٪	۲۵/۷٪	۸/۶٪
	اولویت دوم	۲۰٪	۱۷٪	۳۷٪	۲۵/۷٪
	اولویت سوم	۱۷٪	۳۷٪	۲۰٪	۲۵/۷٪
	اولویت چهارم	۱۱/۴٪	۳۱٪	۱۷٪	۴۰٪

بحث

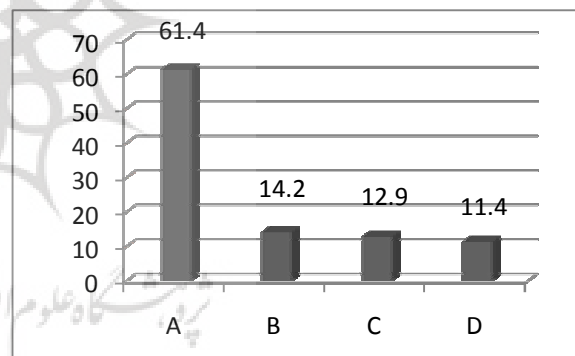
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه معلمان پذیرا از دیدگاه معلم‌های عادی نسبت به آموزش فراگیر مثبت‌تر است. البته این نتیجه ممکن است به علت عدم اطلاع رسانی دقیق از وضعیت و نحوه کار با دانش‌آموزان استثنایی به معلمان عادی باشد. به طوری که طی پژوهشی مشخص شد بسیاری از این معلمان در مورد وسایل توان‌بخشی و یا انواع دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه و مشکلات جسمانی و روحی این قشر از دانش‌آموزان اطلاعات اندکی دادند که این بی‌اطلاعی یا حتی برداشت‌های نادرست این عزیزان می‌تواند عامل مؤثری در منفی‌نگری آن‌ها در کار با این دانش‌آموزان باشد. نتیجه‌ی پژوهش (نگرش مثبت‌تر معلمان پذیرا به فراگیرسازی نسبت به معلمانی که اصلاً سابقه کار با دانش‌آموز با نیاز ویژه را نداشتند) با نتایج پژوهش اپدال (۲۰۰۱)، آنه (۲۰۰۲) و بال بونی (۲۰۰۰) همخوان است.

از نتایج دیگر پژوهش آن است که معلمان پذیرا و عادی آموزش روش تدریس ویژه را به عنوان یک نیاز آموزشی مهم به حساب آورده‌اند به طوری که بیشتر آن‌ها اولویت نخست را به این آموزش اختصاص داده‌اند و پس از این آموزش به ترتیب آموزش ویژگی‌های روانی و جسمانی در اولویت دوم، آموزش روش‌های ارزیابی دانش‌آموزان استثنایی در اولویت سوم و آموزش روش اصلاح رفتار در اولویت چهارم قرار می‌گیرد. این مطلب اهمیت دوره‌های ضمن خدمت جهت آموزش موارد ذکر شده را برای این معلمان مشخص می‌کند.

در مورد حمایت‌هایی که برای بالا رفتن رضایت شغلی معلمان پذیرا می‌توان برای این معلمان در نظر گرفت درصد بالایی از معلمان کاهش تعداد دانش‌آموزان کلاس را انتخاب کرده‌اند و در مورد ۳ حمایت دیگر یعنی افزایش حقوق، تجهیز مدارس به وسایل کمک آموزشی و توان-بخشی و همکاری بیشتر مدیر و عوامل اجرایی نظر یکسانی داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که تراکم فعلی کلاس‌ها

طبق داده‌های جدول ۲ بین معلمان پذیرا و عادی در مورد اولویت‌بندی گزینه‌ها توافق وجود دارد به طوری که بیشتر معلمان پذیرا (۵۴/۳٪) و بیشتر معلمان عادی (۵۱/۴٪) اولویت اول را به آموزش روش تدریس ویژه اختصاص داده‌اند. بیشتر معلمان پذیرا (۴۰٪) و بیشتر معلمان عادی (۳۷٪) اولویت دوم را به آموزش ویژگی‌های روانی و جسمانی دانش‌آموزان استثنایی اختصاص دادند. بیشتر معلمان پذیرا (۳۴/۳٪) و بیشتر معلمان عادی (۳۷٪) آموزش روش‌های ارزیابی دانش‌آموزان استثنایی را به عنوان اولویت سوم انتخاب کرده‌اند و بالاخره اولویت چهارم را بیشتر معلمان پذیرا (۴۵/۷٪) و بیشتر معلمان عادی (۴۰٪) به آموزش روش اصلاح رفتار اختصاص دادند.

نمودار ۱- مقایسه انواع حمایت از معلمان پذیرا از نظر کلیه‌ی معلمان



A- کاهش تعداد دانش‌آموزان کلاس

B- افزایش حقوق و مزایا

C- وجود وسایل کمک آموزشی و توانبخشی در مدرسه

D- همکاری مدیران و عوامل اجرایی

نمودار شماره ۱ حاکی از آن است که کلیه معلمان (پذیرا، عادی) معتقدند که مهمترین حمایتی که باید از معلمان پذیرا انجام شود محدود کردن تعداد دانش‌آموزان کلاس است و در مورد سایر حمایت‌ها نظر یکسانی دارند و به این ترتیب به سؤال ۴ پژوهش پاسخ داده می‌شود.

کلیه معلمان، آموزش روش تدریس ویژه اولویت نخست را بدست آورد. اولویت از بین حمایت‌هایی که از معلمان پذیرا باید صورت بگیرد کلیه معلمان اولویت نخست را به محدود کردن دانش‌آموزان کلاس اختصاص دادند. از محدودیت‌های این پژوهش بی‌اطلاعی بسیاری از معلمان از مفهوم آموزش فراگیر و نحوه‌ی کار دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بود و پیشنهاد می‌شود در زمینه‌ی پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی - اخلاقی دانش‌آموزان تلفیقی و عوامل مؤثر بر این پیشرفت و فواید آموزش فراگیر پژوهش‌های بیشتری صورت بگیرد.

موجب بالا رفتن فشار کاری معلمان و پایین آمدن کیفیت کاری آن‌ها می‌شود و از طرفی چون این معلمان مجبور به استفاده از آموزش انفرادی هستند و در بسیاری از این مدارس معلم رابط یا کمکی وجود ندارد بنابراین کاهش تعداد دانش‌آموزان این کلاس‌ها می‌تواند حمایت بسیار مؤثری برای کار معلمان پذیرا باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل نشان داد که دیدگاه معلمان پذیرا از دید معلمان عادی نسبت به آموزش تلفیقی مثبت‌تر است و همچنین در بین آموزش‌های مورد نیاز معلمان پذیرا از نظر

زیر نویس ها :

- 1- kaffman,J
- 2- Hallahan,D
- 3- Normalization Movement
- 4- Educational Intergration
- 5- mild
- 6- kirk.s
- 7- centerward
- 8- Anne,H
- 9- kluwin,T
- 10- Mores,D



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- به پژوه، احمد (۱۳۷۱)، نهضت عادی سازی، کودکان استثنایی : نشریه ی انجمن علمی کودکان استثنایی ایران.
- خانجانی، زینب و بهاری، علی (۱۳۸۳) بررسی دیدگاه معلمان عادی و استثنایی و تلفیقی در مورد آموزش تلفیقی کودکان استثنایی. تهران، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال چهارم شماره ۱ - ۴.
- دلاور، علی (۱۳۷۹). روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران : انتشارات پیام نور.
- ساموئل، کرک و جیمز، گالاگرد (۱۹۹۳). آموزش و پرورش کودکان استثنایی، (ترجمه ی مجتبی جوادیان، ۱۳۷۶). مشهد آستان قدس رضوی.
- کجباف، محمد باقر ؛ رسمی، مهری (۱۳۸۷). مقایسه‌ی رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه بینا در مدارس تلفیقی و استثنایی. تهران، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۷۸.

<http://aynazvasmael.parsiblog.com/Archive101945>.